

پیشگفتار

نامه به کولسیان

محتوای نامه

نامه به کولسیان، رساله کوتاهی است (چهار فصل) که از نظر شرح و بسط در علم الهی، وسیع و گسترده است و جزو نامه هایی است که معمولاً «نامه های دوران زندان» می نامند.

این نامه، بنا بر معمول با کلمات نیایش مختص نامه ها آغاز می شود (۱:۱-۲۰):

سپس چنین ادامه می یابد: سلام و سپاسگزاری به سبب پیشرفتی که در انجیل حاصل شده است (۳-۸) و دعا و نیایش برای ایمانداران (۹-۱۲) و در پی آنها سرودی در ستایش مسیح به عنوان سرور جهان، که به خوبی لحن نامه را نشان می دهد (۱۳-۲۰). بندهای ۲۱-۲۳ اخطار به مخاطبان نامه است و پس از اخطار، خدمت رسالت، یادآوری شده که مأموریت در اجرای همان مطالبی است که در سرود آمده است یعنی: پولس باید سخنان و مصائب مسیح را به انجام برساند تا شکوه خدا در بین ملت ها تجلی نماید (۱:۲۴-۵:۲).

از ۶:۲ تا ۴:۳ هشدار به جمعیت مسیحیان کولسی است که منظور و انگیزه ارسال این نامه است: بدین معنی که چون معلمانی «ملحد» به کولسی وارد شده و عقاید و دستورات دینی دیگری توصیه کرده اند، در

برابر خطر آنها به کلیسا هشدار داده می شود. در وسط این قسمت که جنبه بحث و جدل دارد مجدداً پیروزی مسیح بر قدرتهای آسمانی تجلیل می شود، پیروزی که ایمانداران بوسیله تعمید خود در آن شرکت دارند (۲:۶-۱۵) و در مقابل هر اقدامی که برای اسارت انجام شود آزادی مسیحیت را پی ریزی می نماید. (۲:۱۶-۴:۳).

سپس موعظه و نصیحت، جنبه کلی می گیرد (۳:۵-۶:۴) و در مورد تعمید، یادآوری و چنین تأکید می نماید: ایمانداران انسان کهن را بدر کرده و انسان نوی را پوشیده اند که زندگی او در جمعیت مسیحی بوسیله طرز رفتار و آیین نیایش تحقق می یابد. (۳:۵-۱۷).

آنگاه در مورد روابط با دیگران توصیه هایی می شود که عبارت از مناظر معمولی زندگی خانوادگی و زندگی اجتماعی است که «در خانواده» است و لذا مفهوم جدیدی دارد (۳:۱۸-۴:۱). بالاخره نامه با دعوت به مراقبت و هوشیاری و دعوت به نیایش کردن (۴:۲-۴:۴) و تذکر در مورد روابط با غیرمسیحیان (۴:۵-۶) و فهرست طولانی سلام ها و پیامهای شخصی (۴:۷-۱۷) و با سلام پایانی رسول خاتمه می یابد (۴:۱۸).

بحران در کولسی

اشخاص مطرح نبود (یعنی رقابت‌های افراد یا انکار رسالت پولس). با وجود بررسی‌های متعددی که به عمل آمده هنوز به روشنی معلوم نیست چه افکار و نظریاتی در کولسی شایع شده بود. در اطلاعات ما از بررسی مفادنامه برآمده که مطالب آن اکثراً به صورت اشاره‌ای است و مفهوم بعضی کلمات و اصطلاحات برای ما مبهم است. گاهی نمی‌توان تشخیص داد اظهاراتی که می‌شود باید در حساب معلمان جدید گذاشته شود یا بیان نظریه و قضاوت رسول است. (مثلاً ۲: ۱۸، ۲۱، ۲۳). گرایش اصلی طرفداران این نهضت عبارت از این بوده که از انجیل رسولان فراتر بروند و به نظر ایشان غور و تعمق درباره دنیای فرشتگان، اعمال ریاضت و رعایت بعضی از مقررات شرعی باید ایمان به مسیح را تکمیل نماید و به ایمانداران شناخت عالی‌تری از رازها بدهد و زندگی مذهبی که برطبق آرزوی قلبی ایشان است فراهم نماید. در این عقاید، بعضی از آثار «انجیل یهودی‌گرایانه» را می‌توان یافت که پولس در نامه به غلاطیان با آن مبارزه می‌کرد ولی این «انجیل» تحول یافته، بیشتر اثر عقاید و نظریات مذاهب پنهانی را داشت، و ملاحظه می‌شود که گرایش‌هایی بوده که به طریقه گنوستیک قرن دوم میلادی منجر خواهد شد. با بروز این عقاید کلمات و اصطلاحاتی بوجود آمده که آثار آنها را در نوشته‌های متأخر بر عهد جدید و خارج از آنها می‌توان یافت.

۱- اطلاعاتی که از این نامه برمی‌آید: کولسی شهری است که در ناحیه فریجیه (آسیای صغیر) در ۲۰۰ کیلومتری مشرق افسس قرار دارد. پولس هرگز به این شهر نیامده است (۱: ۴-۲) و در مدت طولانی که در افسس اقامت داشته (اع ۱۹)، یکی از شاگردان او بنام اپفراس که اصلاً اهل کولسی است (۲: ۴) جمعیت مسیحیان کولسی و همچنین جمعیت‌های هیراپولس و لاودیکیه را تشکیل داده که دو شهر مجاور یکدیگر بوده اند و در دره لیکوس قرار دارند. کلیسای لاودیکیه یکی از «هفت کلیسا» بی است که در مکاشفه یوحنا ذکر شده و تصور می‌کنند نامه‌ای که «نامه به افسسیان» خوانده می‌شود احتمالاً به کلیسای لاودیکیه خطاب گردیده است (کول ۴: ۱۶). ر. ک مقدمه نامه به افسسیان). برطبق مندرجات این نامه، اپفراس که آمده بود تا در زندان پولس را ملاقات نماید، وضعیت وخیم کولسی را به اطلاع او می‌رساند (۷: ۴) و پولس، تیخکس را که حامی این نامه است (۷: ۴-۸)؛ ر. ک افس ۶: ۲۱) با اونسیموس اعزام می‌نماید (۹: ۴) تا در جریان آزمونی که این کلیساها می‌گذرانند نماینده و سخنگوی رسول باشند، زیرا این کلیساها را خود پولس تشکیل نداده بود و بند و زنجیر زندان مانع از آن بود که مستقیماً و اساساً دخالت نماید.

۲- این نامه به صورت بحث و مجادله‌ای روحانی و علم الهی است. زیرا گرچه پولس قبلاً با مشکلات زیادی روبرو شده بود، برخلاف آنچه در قرنتس یا غلاطیه روی می‌داد، در اینجا ظاهراً مسائل مربوط به

مختصات نامه

- مفهوم کلیسا تغییر می یابد بدین معنی که در ۱-قر ۱۲ کلیسا به عنوان جسم، وحدت مسیحیان را با رعایت تفرع آنان در داخل جمعیت بیان می کرد، در این نامه کلیسا وسعت و ابعاد جهانی می گیرد و بیشتر از آنچه در ۱-قر بیان شده است کلیسا (جسم) از مسیح (رأس) متمایز است؛

- در اینجا به جای مقوله های موقتی و آخرتی، مقوله های فضائی (در بالا، در پایین) بکار برده می شود. ملکوت بر فراز ما قرار دارد، همچون حقیقتی که مشرف بر ما است (۳:۱؛ ۳:۳-۱:۴) بجای آنکه در جلو ما باشد، همچون حقیقتی که فرا می رسد (ر.ک مر:۱؛ ۱۵)؛

- در نتیجه در مفهوم تعمید از نظر علم الهی تغییر مهمی حاصل شده است. در فصل ۶ نامه به رومیان، پولس اتحاد ما را با مرگ مسیح با فعل ماضی بیان می کرد و شرکت ما با رستاخیز مسیح با فعل مستقبل بیان شده بود. در نامه به کولسیان اظهار شده، کسی که تعمید شده است مرده و هم اکنون با مسیح دوباره زنده شده است (ر.ک ۲:۱۲ پاورقی U؛ ۳:۱)؛

- نظریه جامعیت و موضوع های حکمت و الهام جای موضوع های قضائی را گرفته که به نظر پولس همراه با عمل روح القدس است. انجیل بتدریج «راز» می شود، همه این مختصات در نامه به افسسیان هم پدیدار خواهند شد: به طوری که شباهت در شیوه نگارش و نظریات این دو نامه مسئله مخصوصی بوجود آورده است (ر.ک مقدمه نامه به افسسیان).

نامه کولسیان که تحت تأثیر برخورد مسیحیت با این عقاید نوشته شده نسبت به نامه های قبلی پولس بدعت و شگفتی مخصوص دارد:

الف) مشاهده می شود که روش نگارش تغییر یافته است؛ این تغییرات که در نامه به افسسیان تشدید می شود عبارتند از: تراکم کلمات مترادف، فراوانی کلماتی که با مضاف الیه هستند، مطالب مشروح در مورد آئین نیایش (۱:۳، ۸:۹-۲۰)، عباراتی که مبهم و گاهی اشتباه آمیز هستند (۲:۱۸-۱۹، ۲۰-۲۳)، افزایش جمله های معترضه، ترکیب عبارات با بکار بردن اسم مفعول یا ضمائر موصول ...

ب) از نظر بکار بردن کلمات هم تحولی مشاهده می شود. کلماتی که سابقاً پولس بکار برده است مثل رأس، جسم؛ اقتدارها و نیروها، عوامل؛ راز، نظام، تمامیت، حکمت، غنا، شناخت و غیره؛ در این نامه، فکر به طرز بی سابقه ای در اطراف آنها متشکل می شود (وانگهی تأثیر نوشته های حکمت کتاب مقدس را می توان ملاحظه نمود). ضمناً درباره مسیحیان بیشتر کلمه «مقدسان» بکار برده می شود.

ج) حتی افکار و نظریات پولس هم تغییر یافته که گاهی خیلی مختصر است و بنظر نمی آید ولی وضیعت جدیدی را اعلام می کنند. از جمله تغییرات و مواردی که تأکید می شود به شرح زیر است:

- بالا رفتن مسیح ابعاد کیهانی گرفته، به عنوان رأس جهان و قدرتها و به عنوان رأس کلیسا تجلیل می شود؛

اصالت و هویت نامه

عوامل مهمی که در بررسی هویت و اصالت مورد توجه قرار می‌گیرد عبارتند از:

۱- دلایل و معیارهایی که از نظر ادبی و علم الهی وجود دارد و به طور خلاصه ذکر کرده ایم. بنا بر اهمیتی که به این دلایل قائل شده اند و بنابراین که به شباهت‌ها یا اختلافات این نامه با نامه‌های دیگر توجه و تأکید گردیده، می‌توان گفت که منسوب به پولس رسول است که در پایان دوران زندگی خود نگاشته است؛ یا اثر یکی از شاگردان نزدیک او است؛ و یا اینکه اثری متأخر بر دوران رسولان است و بعضی از مفسران آن را «مکتب پولس» نامیده‌اند. ۲- نکاتی که رابطه بین نامه کولسیان و نامه‌های دیگر را تعیین می‌کنند. و این اطلاعات مختلط و پیچیده هستند: زیرا شباهت و بستگی نامه کولسیان با نامه‌های دیگری است که در تاریخهای مختلف نوشته شده‌اند. مثلاً یک موضوع مثل «عوامل دنیا» و بعضی از ترکیب عبارات این نامه را به نامه غلاطیان نزدیک می‌کنند (ر. ک غلا ۴: ۱-۱۱ و کول ۲: ۶-۲۳). از سوی دیگر نامه کولسیان با نامه فیلمون و نامه افسسیان اوضاع و احوال مشابه و یکسانی ارائه می‌کنند یعنی: پولس زندانی است (فیل ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۳؛ افس ۳: ۱؛ ۴: ۱؛ ۶: ۲۰)، در هر سه نامه پولس به تیخکس و اونیسمس مأموریت مشابهی می‌دهد (فیل ۱۲؛ افس ۶: ۲۱-۲۲). ضمناً نامه کولسیان بی‌ارتباط با نامه فیلیپیان هم نیست که نامه‌ای از دوران زندان است. به‌ر صورت این نکات دلایل قاطعی نیستند و می‌توان تصور کرد که از یک نامه به نامه دیگر منتقل شده باشند. ۳- بالاخره

کیفیت واقعی بحران کولسی. در این مورد هم به دشواری می‌توان تاریخ صحیحی تعیین نمود. زیرا با توجه به اشاره مبهمی که به نظریات و عقاید و اجرای آداب مذهبی شده است و مدتی که این نهضت‌های مقدماتی گنوستیک در ایمان مسیحیت سرایت کرده بودند به درستی نمی‌توان گفت در چه تاریخی این برخورد ایجاد گردیده است. با در نظر گرفتن مجموعه این اطلاعات سه نوع راه حل پیشنهاد شده است:

الف) عقیده رایج بر این است که پولس نامه‌های کولسیان، فیلمون و افسسیان و همچنین نامه به فیلیپیان را در آخرین قسمت دوران رسالت خود یعنی موقعی که اولین بار در رُم زندانی بوده نوشته است (سالهای ۶۱ تا ۶۳ میلادی). و نامه به کولسیان نخستین طرح مجموعه نظریات او در علم الهی است و این نظریات در نامه به افسسیان شکوفا خواهد شد. در این نامه افکار رسول اوج گرفته، بیشتر به آینده دور می‌نگرد تا مفهوم جهانی صلیب و صعود مسیح را متجلی ساخته، آخرین نتایج راز نجات را در کلیسا آشکار کند. بدین سان می‌توان تغییر روش نگارش پولس و تحول افکار او را توضیح داد. فرضیه‌ای دایر بر اینکه پولس نامه کولسیان را در مدت زندانی بودن خود در قیصریه نوشته باشد در چهارچوب تاریخی مشابهی خواهد بود. بحران غلاطیه نشان می‌دهد که تغییر و تحول افکار پولس نسبتاً زود انجام شده بود.

ب) بسیاری از آنان که این نامه را منسوب به پولس می‌دانند معتقدند که با نامه فیلیپیان و نامه فیلمون نوشته شده است ولی نه در پایان دوران رسالت او بلکه در بحبوحه

نموده است یعنی: ما کاملاً در مسیح سرشار شده ایم. او برای عدالت ما همه چیز است (غلاطیان، رومیان)، برای سرنوشت ما، مرگ ما و زندگی ما همه چیز است (کولسیان)، مبدا کمترین تماسی با چرخ و دنده‌های قانون تورات بگیریم زیرا موجب بازگشت به اسارت خواهد بود (غلا)! مبدا در کنار فرمانروایی مسیح، در بالا یا پایین فرمانروایی او، نوعی پرستش قدرتها را بیفزاییم: زیرا به مفهوم بازگشت به اسارت خواهد بود (کول)! همان سرود آزادی مسیحیت بلند می‌شود. همان توسل به تعمیم به عنوان واقعه قاطع و غیرقابل برگشت که ما را از هر عدالت دیگری بی‌نیاز و منفک ساخته است (غلا، روم) و از هر قدرت دیگری غیر از قدرتهای مسیح منفک ساخته است (کول). گرچه سابقاً در نامه‌های پولس سخن درباره زمان و موضوع آمدن مسیح بوده و لحن نامه به کولسیان بیشتر درباره فضا و تجلیل مسیح به عنوان رأس و فرمانروای جهان است ولی همواره یک موضوع اعلام می‌گردد، بدین معنی که: مسیح یک بار و برای همگان مرده و دوباره زنده شده است و به یک باره ما به او پیوسته و با او متحد شده ایم. زندگی ما که به زندگی او پیوسته است پیروزمندانه در «جایگاههای آسمانی» مستقر گردیده، درجایی که قدرتها فعالیت دارند و ممکن است آزادی را تهدید نمایند. این اظهارات برای برانگیختن ما به فرار نیست بلکه به منظور رهبری ما به زندگی واقعی است چنانکه در پایان نامه ذکر شده است.

هنگامی که اشاره به قدرت‌هایی می‌شود که در دنیای ماوراء زمین سکونت دارند یا

فعالیت رسالت و ادبی او و جزو نوشته‌هایی است که در مدت اقامت طولانی خود در افسس نوشته است (از سال ۵۴ تا ۵۷ میلادی) و می‌توان تصور کرد که در این مدت یک بار زندانی شده باشد (در مورد مشکلات رسول در شهر افسس ر. ک ۱-۱۵:۳۲؛ ۲-۱۰:۸). بدین گونه می‌توان روابط نزدیک و مداوم رسول را با کلیساهای ناحیه درک کرد ولی در این صورت مدتی که برای تهیه و تنظیم و انشاء نامه به کولسیان لازم است رعایت نمی‌شود و به ناچار باید تاریخ نگارش نامه را از نامه افسسیان دور کرد که در این صورت باید نامه افسسیان را نوشته کسی غیر از پولس رسول دانست.

ج) در طرف مقابل کسانی هستند که به سبب وضعیت کلیسا و شکل و محتوای نامه، آن را نوشته‌ای منسوب به نسل متأخر بر رسولان می‌دانند. اندیشه و انتظارات فرا رسیدن پایان روزگار تخفیف یافته، کلیسا در برابر نخستین حملات عقاید گنوستیک از اقتدار مقام رسالت کمک خواسته، صحت مأموریت و موعظه اِپِفراس را که به نام پولس سخن می‌گوید پذیرفته است، وانگهی مقام و اعتباری را که اِپِفراس در پایان قرن اول میلادی در نظر مسیحیان احراز کرده بود ذکر می‌کند (ر. ک ۲-پطرس ۳:۱۵-۱۶).

وسعت دامنه نامه

گرچه در مورد تاریخ نگارش نامه و انتساب آن نظریات مختلف وجود دارد ولی همه مفسران متفق القول هستند که نامه به کولسیان اصولاً همان پیامی را پیروی می‌کند که پولس در موقعیت‌های دیگری بیان

پیشگفتار نامه به کولسیان

نیروهایی است که سیاره ما را در راه تحوّل
غیرقابل برگشت می‌کشانند. نجات انسان
دیگر منحصر به اطاعت شخصی از یک قانون
و یا اصول اخلاقی نیست که اکثراً مورد قبول
نیستند بلکه نجات در رهایی از فشار دیوانگی
است که ما را تهدید می‌نماید. برای ما هم
این سؤال قاطع که رابطه بین مسیح و جهان
است می‌باشد: بین آنچه از جهان دیده و
احساس می‌کنیم و انجیلی که به ما بشارت
داده شده، دریافت کرده ایم چه ارتباطی ممکن
است وجود داشته باشد؟

سخن از فرشتگان و نیروهایی است که بر
مسیر سیارگان و بر سرنوشت‌ها مسلط هستند،
در نظر اول چیزی غریب‌تر از این مطالب برای
ما وجود ندارد ولی اگر اندکی به این نکات
گوش کرده و درباره پاسخ‌های رسول غور و
تعمق نمائیم، طنین انعکاس آنها را
درمی‌یابیم. نام آن قدرتها عوض شده،
اقداماتی که برای هم‌آهنگی با قدرتها یا رها
شدن از آنها انجام می‌گردد تغییر یافته است و
با این همه کولسیان برادران ما هستند. برای
انسان قرن بیستم و فرد مسیحی این دوران
دشوار است که احساس نماید باز چیه دست

نامه به کولسیان

عنوان و سلام

شما رسیده است^f، همانگونه که در سراسر جهان^{ff} نیز بارور و افزایش می یابد^g،
به همان سان نیز در بین شما، از روزی که فیض خدا را درحقیقت شنیدید و شناخته اید^h چنانکه از اِپفراس^h، همقطار خدمتی محبوب ماⁱ آموخته اید، که برای شما خدمتگزار باوفای مسیح است[^] و ما را از محبتی که شما در روح [القدس] دارید^j آگاه کرده است.

افس ۱:۱-۲؛ قرن ۱-۲
۱ پولس، رسول مسیح یسوع به خواست خدا، و برادر تیموتاوس^a،
۲ به برادران ایمانی در مسیح^b، قدیسانی که در کولس هستند؛ از سوی خدا، پدرمان^c فیض و آرامش بر شما باد.

شکرگذاری برای انجیل

۳ به خدا، پدر خداوند ما یسوع مسیح، شکر کرده^d همواره برایتان دعا می کنیم،
۴ از وقتی که ایمان شما را به مسیح یسوع و محبتی را که برای همه قدیسان دارید شنیده ایم^e به سبب امیدی که در آسمانها برایتان تخصیص داده شده است^e، که قبلاً در سخن حقیقت، انجیل، شنیده اید^e که به

افس ۱:۱۵-۱۶؛ فیل ۴-۵
روم ۱:۸-۹؛ ۱-تسا ۱:۲؛ کول ۱:۱۲؛ ۱۷:۳؛ ۲:۲؛ افس ۵:۴، ۲۰؛ ۱-پتر ۳:۳-۴

نیایش برای کلیسا

۹ برای همین است که ما هم، از روزی که این را شنیده ایم، از نیایش برای شما باز نمی ایستیم و درخواست می کنیم که شما در شناخت اراده او [خدا] از حکمت تمام و

افس ۱:۸، ۱۶-۱۵

a- تیموتاوس: ر. ک به اع ۱:۱۶ n.

b- همچنین می توان ترجمه کرد: به برادران در مسیح، قدیسان و وفادارانی، که ساکن کولس اند.

c- در نسخه های خطی متعددی در اینجا اضافه شده است: و خداوند یسوع مسیح.

d- شکر کردن (ترجمه تحت اللفظی: سپاسگزاری). این عبارت که در آغاز نامه های رسولان متداول است (روم ۱:۸) در اینجا اهمیت خاصی داشته و لحن نامه را تعیین می کند (ر. ک ۱:۱۲؛ ۷:۲؛ ۱۵:۳-۱۷؛ ۲:۴).

e- درباره سه کلمه: ایمان، محبت و امید. ر. ک ۱-قرن ۱۳:۱۳ P. در اینجا این سه فضیلت از نظر اهمیت در یک سطح قرار ندارد. زیرا کلمه امید پس از «به سبب» آمده و معنی تازه ای گرفته است: و کمتر به مفهوم امید می باشد تا محتوای آنچه انتظار می رود (افس ۱:۱۸؛ عبر ۶:۱۹؛ ۱-پتر ۱:۴).

f- گاهی ترجمه می کنند: که به شما رسیده است همان گونه که در سراسر جهان.

ff- در آن ثمر می آورد.

g- انجیلیه مانند قدرتی که در حرکت به سوی جلو است نشان داده شده. فرارسیدن انجیل با تصاویر باروری و توسعه توضیح داده شده، همین تصاویر در بندهای بعدی مجدداً درباره خود کولسیان بکار برده می شود (۱:۱۰).

h- بدین سان پیام اِپفراس (ر. ک مقدمه) ارزش و صلاحیت رسالتی دارد و تأکید این نکته حائز اهمیت است زیرا در این نامه علیه عقاید جدید و بدعت مبارزه می شود.

i- یعنی جانشین ما است. تفسیر دیگر: که برای شما است یعنی عامل باوفای مسیح به نزد شما است.

j- ترجمه تحت اللفظی: محبت شما در روح القدس. این تنها مورد اشاره به روح القدس در این نامه است. در بند ۱۶:۳ کلمه روحی که منسوب به روح القدس است ذکر گردیده است.

در ستایش مسیح سرور جهان

با شادی^۱،^{۱۲} پدر را سپاسگزار باشید، افس: ۱۱:۱، ۱۸:۱
 که شما را شایسته نموده است^m تا بخشی تک: ۳:۳-۴؛ حک: ۵:۵؛
 از میراثⁿ قدیسان را در نور داشته باشید. اع: ۲۰:۳۲؛ ۲-بطر: ۴؛
^۳ که ما را از قدرت تاریکی رهایی خروج: ۱۴:۳۰؛
 بخشیده و به ملکوت پسر محبت خود^o اع: ۱۷-۱۸؛ افس: ۵:۸؛
 منتقل کرده است.^۴ که در او باز خرید و بو: ۸:۱۲؛
 بخشایش گناهان را داریم. ۱-بطر: ۲؛ مت: ۳:۱۷؛
^{۱۵} او^p چهره^۱ خدای^q نادیده، افس: ۱:۷؛
 نخست زاده^r، تمام آفرینش است روم: ۳:۲۴؛
 فی: ۲:۶

ادراک روحانی سرشار باشید^k.^{۱۰} شایسته^{۱۰}
 خداوند رفتار کنید، که از هر حیث خوشایند افس: ۴:۱؛
 [او] باشید: در هر عمل خوب ثمر بیار ۱-تسا: ۲:۱۲؛
 آورید و در شناخت خدا رشد کنید.^{۱۱} فی: ۱:۲۷؛
 طبق نیروی شکوه او، در کمال قدرت، افس: ۱۹:۱؛
 نیرومند شوید و پابرجا و شکیبیا. ۱۰:۶؛ ۱۶:۳

k- در نامه به کولسیان علاقه مخصوصی در بکار بردن این واژه‌ها ابراز گردیده (ر. ک. ۲:۲-۳) بخصوص که موضوع مبارزه، وصول به ادراک می باشد. در این نامه حکمت به عمل تاریخی خدا در مسیح کاملاً پیوند داده شده و مربوط به طرز رفتار روزانه است که از آن ناشی می شود.

l- با شادی: گاهی این کلمه را به آغاز بند ۱۲ مربوط می کنند.

m- در بعضی از نسخه های خطی ضبط شده است: ما را شایسته نموده است. تفاوتی که در ضمیرهای شخصی نسخه ها مشاهده می شود نشان می دهد که رونویس کنندگان تردید داشته اند ضمناً طرز ترغیب رسول را روشن می کنند بدین معنی که نویسنده نامه از یک سو با صلاحیت و اقتدار به نام مسیح سخن می گوید و در عین حال خود او مسئول همان فیضی است که دریافت کنندگان نامه دریافت می کنند (۱:۷، ۱۲:۱۳:۲؛ ۴:۳).

n- در کتاب عهد عتیق سهمیه ای از ارض موعود به هر خانواده اسرائیل تخصیص داده شده، به این ترتیب هر خانواده شریک در میراث عمومی بشمار می آید (یوشع ۱۴:۵-۵). از این پس مشرکان نیز در میراث ملکوت شریک هستند (افس ۱۱:۱-۱۴:۲). در نوشته های قمران این میراث متضمن شرکت جامعه زمینی در جامعه آسمانی است و چنین نوشته شده است: «به کسانی که خدا برگزیده است مستملکه ای جاودانی داده، میراث آنان را جزو سهمیه قدیسان، با پسران آسمانها قرار داده و جمعیت ایشان را بر طبق آرمان جامعه سهمیم کرده است» (مقررات جمعیت قمران ۷:۱۱ و ۸:۷). در این معنی بعضی از محققان قدیسان را به مفهوم فرشتگان می دانند (ر. ک ایوب ۵:۱؛ زک ۱۴:۵) در نامه های کولسیان و افسسیان منظور از قدیسان اعضای قوم خدا و به عبارت دیگر تعمید یافتگان می باشند.

o- این عبارت اصطلاح پسر محبوب را به یاد می آورد که در روایت های تعمید یسوع (متی ۳:۱۷؛ //) و در عنوان نامه به افسسیان ۱:۶ آمده است. به همان گونه که در نامه به رومیان ۴:۱ ذکر شده منظور کسی است که قیام از مرگ او را بر سریر فرزندی یکتا جای داده است.

بندهای ۱۲ تا ۱۴ این نامه مطالب مشابهی با اع ۱۸:۲۶ دارند که عبارتند از: قدرت ظلمات، انتقال از یک قلمرو به قلمرو دیگر، میراث، بخشایش گناهان، ورود به جامعه قدیسان.

p- بندهای ۱۵ الی ۲۰ (و به نظر برخی بندهای ۱۲ الی ۲۰) سرودی در وصف عظمت جهانی مسیح است (ر. ک به دو قطبی که در این سرود ذکر شده است: منظور از او مسیح است بدون اینکه نامش ذکر شده باشد و قطب دیگر همه به مفهوم جهان می باشد. نخستین قسمت این سرود درباره آفرینش (او چهره خدای نادیده ...) و قسمت دوم درباره رستاخیز است (او که مبدأ ...). ولی مطالب این دو قسمت در یکدیگر آمیخته شده و موضوع رستاخیز در مطالب مربوط به آفرینش پراکنده ذکر شده است.

منبع این قطعه مورد بحث است، برخی از محققان آن را اقتباس از یک سرود به زبان یونانی می دانند که تحت تأثیر اندیشه های رواقی و حتی گنوستیک نوشته شده باشد. به نظر بعضی دیگر که بیشتر نزدیک به حقیقت است این سرود منظومه ای مسیحی است که تحت تأثیر کتب حکیمانانه عهد عتیق تنظیم گردیده است مثلاً از کتاب حکمت: مسیح چهره خدا است (حک ۷:۲۶)، او پیش از هر آفریده ای است (امت ۸:۲۲-۲۶)، او نقش فعالی در آفرینش دارد (امثال ۸:۲۷-۳۰)، و آدمیان را به سوی خدا راهنمایی می کند (امت ۸:۳۱-۳۶)، در نوشته های عهد جدید دو سرود دیگر در ستایش نقش جهانی مسیح آمده است: یوحنا ۱:۱-۱۸؛ عبر ۱:۱-۴ (ر. ک به اعتراف ۱-قرن ۸:۶).

عبر: ۱:۶ روم: ۸:۲۹	۱۶ زیرا همه چیزها در او آفریده شده چه در آسمانها و چه بر روی زمین،	و قوام همه چیز در او است. ^u ۱۸ او او سر جسمی است که کلیسا ^v	۳۱:۳:۵۸:۸
افس: ۱:۱۰	دیدنی ها و نادیدنی ها، چه اریکه ها ^s ، چه سروری ها، چه	می باشد، او که مبدأ،	افس: ۱:۲۲: ۲۳:۵:۱۵:۴
افس: ۱:۲۱	پیشوایی ها، چه قدرتها، همه چیز به وسیله او و به خاطر او	نخست زاده از بین مردگان است، تا در همه چیز رده نخستین را داشته	مکا: ۳:۱۴
	آفریده شده است، ۱۷ او او پیش از همه است ^t	باشد؛ ۱۹ زیرا پسند [خدا] بوده است	اع: ۲۳:۲۶: روم: ۸:۲۹: ۱-قرن: ۱۵:۲۰: مکا: ۵:۱

لازم به یادآوری است مسیح به عنوان رئیس و سرور جهان تجلیل می شود و یک رشته اشارات در توضیح این موضوع ذکر گردیده است. ضمناً در زبان عبری واژه های آغاز، نوبر و رئیس از یک ریشه لغوی مشتق می شود که کلمه سر می باشد و این نکته کلید درک این قطعه است.

در این منظومه کلیه این اظهارات با شروع از رویداد تاریخی اصلی بیان می شود و نظیر مجموعه نوشته های عهدجدید، نجات و آفرینش و اعتراف به خداوندی مسیح به عنوان نجات بخش را در یکجا جمع می کند. ممکن است این سرود قسمتی از آیین تعمید دادن بوده است. (در قسمتهای بعدی، تعمید نقش عمده ای خواهد داشت. ر.ک فصل ۲). در وضعیت فعلی مطالب این قسمت برای آن است ما را از اشتباهاتی که در کولس شیوع داشته است برحذر دارد. (اصرار بر موضوع موجودات آسمانی است که آفریده شده و در مسیح آشتی کرده اند).

q- چهره خدا. نظیر انسان که به صورت خدا آفریده شده است (پیدایش ۱:۲۶) ولی همچنین به مانند حکمت (ر.ک یادداشت قبلی، p). به نظر افلاطون این چهره همانا جهان است، فیلون philon آن را با سخن و پولس آن را با یسوع یکی می داند (ر.ک ۲-قرن ۴:۴).

T- نخست زاده در میان قوم اسرائیل متضمن برتری و تقدیس است (خروج ۱۳:۱۱-۱۶) همچنین نقش ممتاز حکمت را در آفرینش بیان می نماید (امت ۸:۲۲).

S- در مقابل اندیشه ها و نظریات کولسیان در این نامه اظهارات رسولان درباره قیام مسیح و پیروزی او بر نیروهای نامرئی تشریح شده است (فی ۲:۱۰-۱۱:۱-۱-بطر ۳:۲۲-۱-تیمو ۳:۱۶، با مراجعه به مز ۱۱۰:۲). هسته مرکزی فهرست مطالب که در پولس برمی شمارد (روم ۸:۳۸-۱-قرن ۱۵-۲۴:۱-افس ۱:۲۱:۱-۳:۱۰:۶:۱۲:۶:۱۶:۱-کول ۱:۱۶:۲:۱۵) فرمانروایان و قدرتها می باشند، فهرستی که در افس ۱:۲۱ ذکر شده با آنچه در کول ۱:۱۶ آمده است از این لحاظ متمایز است که به جای قدرتها، سلاطین ذکر گردیده است. این موجودات آسمانی، قدرتهای مربوط به فرشتگان یا ستارگان بودند در اداره امور دنیای مادی و دنیای مذهبی ماقبل مسیحیت شرکت داشته اند و مخصوصاً از قانون موسی (غلا ۳:۱۹) و نظام مربوطه محافظت می کرده اند. (کول ۲:۱۵ y).

t- این کلمه هم به معنی برتری و هم سبقت در زمان است.

u- این موضوع از فلسفه رواقیان که جهان را به عنوان مجموعه ای خدایی و به هم پیوسته می دانستند. در کتابهای حکمت و بن سیراخ این موضوع با یکتاپرستی کتاب مقدس تطبیق و تلفیق داده شده است، بنسی ۴۳:۲۶: حکمت ۱:۷. و پسر به عنوان وسیله ربط و الصاق همه چیز ارائه می گردد.

v- چنین به نظر می رسد که در اینجا واژه کلیسا به منظور توضیح آورده شده است زیرا ممکن است کلمه جسم به مفهوم جهان و مبهم باشد؛ در فصل ۱۲ نامه به رومیان و فصل ۱۳ نخستین نامه به قرنثیان جسم به معنی جامعه پیروان می باشد؛ در نامه های به کولسیان و افسسیان، مسیح که رئیس قدرتها و جهان است رأس مقتدر و زندگی بخش کلیسا می شود که بیشتر جنبه تجسم شخصی گرفته است (افس ۱:۲۲:۱-۴:۱۵-۱۶:۵:۲۳:۵: کول ۱:۱۸:۱-ر.ک ۱-قرن ۱۲:۲۱ که در آن رأس فقط یکی از اعضای جسم می باشد).

بی عیب و بی تقصیر حاضر شوید، ^{۲۳} اگر ^{۱۴} :۱۰	که تمامیت ^w در او جای می گیرد	مز:۱۳۲:۱۳-۱۴: مر:۱۱: کول:۲:۹: افس:۱:۲۳:۴:۱۰: یو:۱۶:
لااقل در ایمانی که با بنیانی استوار و ^{۲۸} :۱	^{۲۰} و به وسیله او همه چیز را با خود آشتی	
محکم است پایدار باشید، و بدون تزلزل از ^۲ -قرن:۱۱:۲۷:۵:۴:۱:افس:	داده ^x ،	
امید انجیلی که شنیده اید [و] به هر ^{۱۷} :۳:افس:	صلح را به وسیله خون صلیب او ^y برقرار	افس:۱:۱۰:۱۶:۲:
آفریده ای در زیر آسمان اعلام شده است، ^۱ -قرن:۱۵:۵۸:۱:۵:	نموده،	افس:۱۷-۱۴:۲: روم:۱:۵:
که من، پولس، خدمتگزار آن گردیده ام. ^{۱۶} :۱:۱۵:مر:	به وسیله او چه در چیزهایی که بر روی	افس:۱:۷:۱۳:۲:
^۱ -تیمو:۳:۱۶:	زمین و چه در چیزهایی که در آسمانها	
	است.	

مبارزه رسول

^{۲۴} اینک از دردهایی که به خاطر شما	^{۲۱} و شما که در گذشته، به وسیله اعمال	افس:۱۲:۲: ۱۸:۴:
[دارم] شادی می کنم، و کمبود رنج های ^{۱۳} :۱:۳:افس:	بد، بیگانه و در فکر دشمن بوده اید ^{۲۲} اما	
مسیح را به خاطر جسم او که کلیسا است ^a در ^۲ -قرن:۱۰:۴:۱۰-۱۰:	اینک او شما را در جسم خود به وسیله مردن	روم:۱۰:۵: افس:۱:۱۴-۱۶: روم:۳:۸:۴:۷:
تن خود تکمیل می کنم ^{۲۵} که من خادم [آن] ^۲ -تیمو:۲:۲۳:۱۱:	آشتی داده است ^z ، تا در برابر او مقدس،	

W- ترجمه تحت اللفظی: پُر بودن. در متن اصلی کلمه خدا نیامده و مستتر است. بعضی تصور می کنند کلمه تمامیت فاعل این جمله است و لذا ترجمه می نمایند: زیرا مورد پسند تمامیت بوده است که در او جای گیرد. این کلمه که قبلاً در نامه های پولس بکار رفته در نامه های به کولسیان و افسسیان اهمیت بیشتری گرفته است پیش از آنکه در آیین گنوستیک نقش قابل ملاحظه ای بگیرد. در نوشته های عهدجدید موضوع تمامیت تعیین شده است (مثلاً تمامیت زمان، تمامیت ملت ها، تمامیت قانون، تمامیت خدا ...): ولی در اینجا که به صورت مطلق بکار برده شده لحنی غیرعادی دارد. و با توجه به مفاد بند ۹:۲ آن را به مفهوم تمامیت الوهیت می توان درک کرد یعنی تمام آنچه را که خدا می خواهد از خود، در مسیح به ما منتقل نماید تا ما را در او وارد ساخته و کامل نماید: در این صورت کلمه تمامیت نزدیک به واژه دیگر یونانی خواهد بود که روح القدس ترجمه می شود. بعضی از مفسران کلمه تمامیت را «جهان سرشار از حضور خدا» می گیرند. در این مورد به مفعول بودن این کلمه در یونانی استناد می کنند (آنچه پُر است) و با توجه بر متون عهد عتیق که جهان پُر از حضور و شکوه خدا را ستایش می نمایند (اش ۳:۶؛ مز ۲۴:۱).

به هر صورت اهمیت کلمه تمامیت هرچه باشد نکته اساسی بند ۱۹ آنست که اظهار می شود این تمامیت در مسیح جای دارد. قبلاً در مز مور ۶۸، بند ۱۷ به نحو مشابهی اظهار شده بود که خداوند بر روی کوه صهیون جای گرفته بود: «پسند خدا بوده است که در آن جای گیرد». و حکمت که می آید تا بر روی زمین ساکن شود (بنسی ۷:۲۴، ۸، ۱۰؛ ۳:۳۸:۳؛ ر. ک یو ۱:۱۴)، در عین حال مسکن و جایگاه خدا بر روی زمین است، جایگاه مواهب و پُر از مواهب مسیحایی است که به شاگردانش منتقل می سازد (امت ۸:۱۲-۲۱).

X- در اینجا فاعل جمله خدا است که آشتی می دهد (روم ۵:۱۰؛ ۲-قرن ۱۸:۵-۲۰) و موضوع آشتی به حداکثر گسترش یافته، آسمان و زمین را دربر گرفته است.

Y- در تعدادی از نسخه های خطی نوشته شده است: به وسیله او که ممکن است به وسیله خون صلیب او توضیح داده شده است.
Z- ترجمه تحت اللفظی: شما را آشتی داده است (یا برطبق برخی نسخه ها شما آشتی کرده اید) در جسم تن او. «جسم تن» یا «تن جسمانی» اصطلاحی نادر است ولی برابر متونی که در قمران بدست آمده تأیید گردیده است. همین اصطلاح با مفهوم استخفاقی در ۱۱:۲ بکار برده شده و در اینجا منظور جسم مادی مسیح است.

a- این بند که به انواع مختلف تفسیر شده دشوار است. در اینجا منظور رنجهای یسوع برای زوددن گناهان نیست بلکه آزمونهایی مربوط به پایان روزگار (ر. ک روم ۳:۵ C) و در نتیجه اعلام ندای انجیل است (مر ۱۳:۵-۱۰). چون رسول به منظور تحقق بخشیدن به سخن خدا خوانده شده است (بند ۲۵) در مقابل مقدر است آلام مسیح را تا به انتها تحمل نماید (اضطراب، ضعف، تعقیب و شکنجه ...). این مصائب، آلام مسیح است زیرا یسوع نخست به خاطر اعلام ملکوت تحمل نموده است (ر. ک ۲-قرن ۱۰:۴-۱۲) و همچنین بدین سبب که مسیح در رسول خود زندگی می کند، رسول خوانده شده است در سرنوشت خداوند خود سهیم باشد. (با پیوستن کلمات تن خود با رنجهای مسیح به مفهوم محدودتری می رسم: بدین معنی که آنچه از رنجهای مسیح باقی مانده من در جسم خود به انجام می رسانم؛ در این مورد به خوبی روشن است که پولس فقط به تنها مأموریت خود که رسول ملتها است می اندیشد.) - در یک تفسیر کهن (اگوستن) که مورد توجه و قبول محققان است رنج کشیدن در همبستگی با خداوند به تمام مسیحیان و به سود جامعه مسیحیان و به سود جامعه کلیسایی توسعه داده شده است: پاسکال دانشمند فرانسوی قرن ۱۷ میلادی می نویسد: «یسوع تا پایان جهان در احتضار خواهد بود.»

۱ زیراً می خواهم شما بدانید، برای ۱۶-۱۳:۴
 ۲ شما و اهالی لائودیکیه، و برای ۱۱:۱۱
 ۱۴:۳
 تمام آنان که چهره جسمانی [تنی] مرا
 ندیده اند^h چه مبارزه ای می کنم^۲ تا قلبشان
 تسلی یابد، در محبت، [صمیمانه] اتحاد و افس: ۱۹-۱۸:۳
 همه غنای درایت، شناخت راز خدا یعنی افس: ۴:۳
 مسیحⁱ را به کمال داشته باشند^۳ که در امت: ۱:۸-۳۶
 [او] تمام گنجینه های حکمت و دانش
 نهفته است^۴. این را می گویم تا کسی نتواند
 شما را با حرفهای [به ظاهر] متقاعد کننده
 فریب دهد^k. زیرا با آنکه جسماً [در تن] ۸:۲
 غایب اما، روحاً با شمایم و خوشوقتم نظم و افس: ۵:۶
 ۱۸:۱۶ روم
 استحکام شما را در ایمان شما به مسیح، ۱-قرن: ۵:۳-۴
 می بینم^۱. ۱-بطر: ۵:۹

شده ام بر حسب نظارت خدا، به من برای
 شما محول شده، [یعنی] اعلام کامل سخن
 خدا^b، من خدمتگزار شده ام^۶ رازی^c که از
 [بدو] روزگاران و از نسل ها^d پنهان نگاه
 داشته شده بود، و اینک به قدیسانش^e
 آشکار گردیده است،^۷ خدا اراده کرده
 است به ایشان بشناساند که غنای شکوه این
 راز در بین امت ها^f چیست که این است:
 مسیح در شما^g، امید شکوه!^۸ [او است
 که ما اعلام می کنیم، به هر انسانی اخطار
 کرده، و هر انسانی با هر حکمتی را آموزش
 می دهیم، تا هر انسانی را در مسیح به کمال
 ارائه نماییم^۹ و بدین سبب من زحمت
 می کشم تا برطبق فعالیت او که در من به
 قوت عمل می کند، مبارزه نمایم. افس: ۷:۳
 فی: ۱۳:۴

- b- این کلمات را می توان ترجمه کرد: وظیفه ای که خدا به من محول نموده: به تمامیت رساندن سخن خدا درباره شما است.
 منظور از توسعه دادن مسافرت برای تبلیغ مذهبی است و رسول انجیل را تا اقصی نقاط زمین به میان مشرکان می رساند، و مفهوم تشدید کردن آنست که هر فرد انسانی را به وسیله اندرز و آموزش به مرتبه کمال در برابر خدا برساند. (بند ۲۸).
 c- راز: ر. ک افس ۳:۳ b.
 d- ترجمه تحت اللفظی: از زمان نیروهای جاودانی و نسلهها. به نظر برخی از مفسران این کلمات مفاهیم مجردی هستند که به صورت شخصیت‌های مجسم شده اند چنانکه فلاسفه گنوستیک دانش را به صورت شخصیتی مجسم می نمودند. در این صورت بایستی ترجمه کرد: رازی که از روزگاران و نسلهها پنهان بود.
 e- منظور از قدیسان ممکن است رسولان و پیامبران باشد (افس ۵:۳)، ولی بند ۲۷ نشان می دهد که به مفهوم تعمید یافتگان است (کول ۱:۲).
 f- حضور مسیح در میان مشرکان کولس گواه بر آنست که مشیت خدا (راز) به هدف خود واصل شده است: تجلی شکوه او در بین امت ها (ر. ک اع ۱۳:۴۷ و آنچه از عهد عتیق در روم ۷:۱۵-۱۳ نقل قول شده است).
 g- یا در بین شما.
 h- ترجمه تحت اللفظی: که چهره مرا در جسم ندیده اند. نامه کولسیان از این حیث نظیر نامه رومیان است که رسول هردو نامه را به کلیسای خطاب می نماید که خودش تأسیس نکرده و هنوز از آنها بازدید به عمل نیاورده است. ر. ک مقدمه.
 i- ترجمه تحت اللفظی: راز خدا: مسیح. در نسخه های خطی این عبارت به صورتهای مختلفی آمده است: مثلاً خدا: مسیح خدا که به معنی مسیح است: راز خدا و مسیح و غیره. در کول ۳:۴ و افس ۴:۳ سخن از راز مسیح است. متن عبارت نشان می دهد ترکیب کلام هنوز آماده نشده است.
 j- در این بند موضوعی از نوشته های حکیمانانه کتاب مقدس گرفته شده است (امت ۲: ۳-۶) که در آن حکمت را به گنجینه های پنهانی تشبیه کرده و با دانش سهیم می نماید. در اینجا موضوع به وسیله اش ۳:۴۵ بیان شده است.
 k- نخستین باری است که با کلمات تند و شدید از عقایدی که در کولس شایع شده بود یاد می شود. وانی که به این عقاید توجه کنند به بردگی کشانده خواهند شد (بند ۸). پولس رسول مبارزه می کند تا آنان را در آزادی که در مسیح دریافت کرده اند و با تعمید مهیور و تثبیت شده است نگهدارد و این نکته نقطه عطف ثابت مطالبی است که به دنبال می آید.
 l- در اینجا نظیر بند ۱ عبارات و تشبیهاتی که بکار برده شده از اصطلاحات نظامی است.

کاملاً در مسیح

افس ۲۰:۴-۲۱	۶ پس چون شما مسیح یسوع، خداوند را پذیرا شده اید در او گام بردارید m. ۷ و در او ریشه گرفته، ساخته شده اید، و آن چنان که به شما تعلیم داده شده در ایمان پایدار بمانید، سرشار از سیاستگزاری باشید n. ۸ مواظب باشید مبادا کسی شما را بوسیله فلسفه ^o و فریب توخالی، برطبق رسوم انسان ها، بر اصول دنیایی ^p و نه برطبق مسیح بدام نیندازد. ۹ زیرا الوهیت جسماً ^q همه کمال در او جای دارد، ۱۰ و شما [همه چیز] را به تمامیت در او دارید r
افس ۲:۲-۲۲	۱۱ و همچنین در او ختنه شده اید، ختنه ای که بدست انجام نشده [بلکه آنچه شما را] از جسم نفسانی ^t در آورده است: در ختان مسیح است ۱۲ در تعمید با او دفن شده اید و همچنین به وسیله ایمان در فعالیت خدا در او برخاسته اید، [خدا که] وی را از میان مردگان برخیزانیده است. ۱۳ و شما که [به وسیله] خطاها و نامختونی جسم خود مرده بودید، او شما ^v را دوباره با خود ^w زنده کرده [و] تمام خطاهای ما را بخشیده است:
افس ۵:۶	۱- بطر ۳:۲۱
۲- تیمو ۳:۴	روم ۶:۴-۱۱
مت ۱۵:۳	کول ۱:۳
۲:۲	افس ۱:۹-۲۰
غلا ۳:۴	ف ۵:۲-۶
۱:۱۹	روم ۸:۱۱
۲:۱۷	ف ۱۰:۳-۱۱
یو ۱۴:۱	افس ۲:۱-۵

m- کلمه یونانی که به پذیرا شدن برگردانده شده به مفهوم انتقال پیام رسولان است (۱-قر ۱۱:۲۳؛ ۱۵:۱-۳). مسیح موجودی افسانه ای نیست که جزو سلسله مراتب فرشتگان باشد بلکه به طوری که رسولان در گفتار خود ذکر می کنند کسی است که مصلوب شده و از میان مردگان برخاسته است.

n- گاهی ترجمه می کنند: سرشار از حق شناسی باشید. ولی برطبق برخی از نسخه های خطی می توان ترجمه کرد: با سیاستگزاری در آن (ایمان) پیشرفت کنید و یا با سیاستگزاری در او (مسیح) پیشرفت کنید.

o- منظور از فلسفه که در نوشته های عهد جدید فقط در اینجا ذکر شده است جریانهای بزرگ فکری نیست بلکه بهره گیری مذهبی از بعضی عقاید نظری است.

p- ترجمه تحت اللفظی: عناصر دنیا، ر. ک ۲:۲۰؛ غلا ۳:۴.

q- کلمه یونانی که در اینجا به کمال ترجمه شده و گاهی تمامیت ترجمه می کنند. ر. ک ۱:۱۹ w در اینجا با قید جسماً و متمم الوهیت تغییر می یابد. بنابراین می توان ترجمه کرد کمال و تمامیت الوهیت جسماً در او جای دارد. گاهی کلمه جسماً را به مفهوم واقعاً درک کرده اند زیرا در بند ۱۷ سایه در برابر جسم (مسیح) و تصویر در برابر واقعیت آمده است، ولی در اینجا منظور پولس از جسم مسیح، شخص مسیح برخاسته از مرگ و کلیسا می باشد: ترکیب عبارات و کلام نشان می دهد که زندگی الوهیت در مسیح متمرکز است و از طریق او بر تمام تعمید شدگان منتشر می گردد.

هرگاه درباره اهمیت جهانی که واژه های تمامیت و جسم دارند تأکید شود این بند را چنین تفسیر می کنند: در مسیح تمامیت دنیای الوهیت و مجموعه دنیای آفرینش جمع شده است.

r- این عبارت که حاوی نکته ای از بحث و مشاجره است به طرز جالبی پیام این نامه را خلاصه می کند. کمال و تمامیت در مسیح و فقط در مسیح است! بعضی از مفسران چنین درک و تفسیر کرده اند: شما در او سهم در تمامیت هستید.

s- ترجمه تحت اللفظی: سر. به نظر بعضی ها به دشواری می توان پذیرفت قدرتها از جسمی تشکیل داده باشند که مسیح سر آن باشد. در این بند موضوعهای مربوطه در مورد وضعیت کولسیان بکار برده شده است.

t- همین اصطلاح در بند ۱:۲۲ آمده است ولی در اینجا جسمی است که اسیر نفس می باشد و جسم گناه شده است (روم ۶:۶ y).

u- متن اساسی درباره تعمید که متضمن شرکت ما در مرگ و رستاخیز می باشد. در فصل ششم نامه به رومیان موضوع شرکت در مرگ مسیح با جمله ای به زمان گذشته بیان شده بود (با مسیح مرده ایم)، در صورتی که شرکت در رستاخیز در آینده ای مشترک با مسیح افتتاح می گردید (با او زندگی خواهیم کرد) (روم ۵:۶ x). در اینجا مردن و رستاخیز به موازات یکدیگر آمده بدین معنی که ما با مسیح مرده ایم و با مسیح برخاسته ام و هر دو فعل به زمان ماضی است: در نامه های قبلی موضوع بدین گونه پیشاپیش بیان نمی شد و هدف کاملاً روشن است بدین معنی که به مسیحیان گفته شود که در برابر هر قدرت و نسبت به هر قدرتی آزاد می باشند. پولس در نامه به افسسیان از این هم فراتر خواهد رفت: ر. ک افس ۲:۵-۶ d.

v- در بعضی از نسخه های خطی: خطاهای شما را بخشید (ر. ک ۱:۱۲ m).

w- چنین به نظر می رسد که بندهای ج ۱۳-۱۵ از سرودی مذهبی گرفته شده است که در ستایش پیروزی صلیب و بالحن و روشی مهیج سروده شده بوده است و واژه های شگفت و بدیعی در آن بکار رفته که نوبت به نوبت واژه های قضایی و نظامی می باشند.

<p>۱۰:۴:۳ هلال ماه یا [روز] سبت محکوم کند^a که غلا^{۱۷} که [اینها] سایه ای است از آنچه خواهد آمد، عبر:۸:۵؛ اما واقعیت از مسیح است^b ۱۸ مبادا کسی ۱:۱۰ شما را از آن محکوم کند، به سبب اینکه در ۲۳:۲ «خفیف کردن خود» و «پرستش فرشتگان» خوشنود است، و عرق در آنچه دیده، به وسیله افکار نفسانی، مغرور از افس:۴-۱۷-۱۹ تکبری بی جا است^c ۱۹ و به سر ارتباط ندارد، که تمام بدن با بندها و مفصلی^d افس:۲:۲۱ که دارد تأمین یافته به هم پیوسته است،</p>	<p>۱۴ مدرکی که علیه ما نوشته شده بود^x پاک کرده با احکامی که برضد ما بود، و آن را با میخکوب کردن آن به صلیب از بین برد. ۱۵ سروری ها و قدرتها را برکنده^l، [و] آنها را در ملأ عام رسوا کرده [و] در رکاب پیروزمندان خود^z به همراه آورده است. ۱۶ هیچکس نباید شما را به سبب خوراک و یا آشامیدنی و یا در مورد عید یا</p>	<p>افس:۲-۱۴-۱۶ افس:۲۱:۱ ۱-قرن:۱۵:۲۴ ۱-بطر:۳:۲۲ مکأ:۱۲-۷-۸ روم:۱۴ ۱-قرن:۸ ۱۴:۱-۳۳</p>
--	---	---

X- ترجمه دیگر: به ضرر فرمانها، مدرک اتهامی را که علیه ما بود باطل کرد. یا اینکه: مدرک اتهامی را که موجب فرمانها علیه ما بود باطل کرد. مدرکی که علیه ما نوشته شده بود و یا متضمن وام ما بود، ممکن است به مفهوم قانون موسی و یا دفتر حسابی باشد که خدا اعمال آدمیان را در آن ثبت می کند (ر.ک مز ۱۳۹:۱۶ و دعای یهودیان: «با رحمت عظیم خودت همه مدارکی که ما را متهم می کنند پاک کن»). در مورد تصویر مدرکی که علیه ما نوشته شده و یا وامی که داریم نبایستی خیلی تأکید شود؛ این تصویر پیوستن به فرمانهای خدا است (اعم از اینکه به وسیله قوانین موسی یا از طریق وجدان باشد، ر.ک روم ۱۴:۲-۱۶) و علیه کسانی است که امضا کرده، از عهده آن بر نمی آیند.

Y- تفسیر دیگر: سروری ها و قدرتها را نفی کرده (با قطع علاقه از جسم نفسانی، ر.ک بند ۱۱، که بر آن تسلط داشتند). به هر صورت آزاد شدن آدمی از الزامات مهلک هر سیستم که بر مبنای قانون است (بند ۱۴) متضمن انفصال موجودات آسمانی است که در «نظم» کهن سروری داشتند (ر.ک غلا ۱۹:۳ a, Z).

Z- ترجمه تحت اللفظی: بر ایشان به وسیله آن پیروز شده است (یعنی به وسیله صلیب که در بند ۱۴ ذکر شده است) و یا: بر ایشان به وسیله او (مسیح) پیروز شده است. تصویری که در ۲-قرن:۲ بکار برده شده اندکی تفاوت دارد و تصویر ورود پیروزمندان در روم قدیم است که سردار رومی حرکت می کند در حالی که دشمنان اسیر شده پیشاپیش او راه می روند.

a- پس از ذکر جنبه عقیدتی نظریات جدیدی که علمای دروغی توصیه می کردند، اکنون دستورات عملی آنان ذکر می شود (ریاضت، آیین پرستش). توجه نمایید که این دستورات چقدر تحت تأثیر روشهای مذهبی یهودیان است.

b- ترجمه تحت اللفظی: اما جسم از مسیح [است]. در اینجا کلمه جسم که به دو معنی بکار برده شده در کنار هم قرار گرفته است. از یک سو جسم به معنی مجازی در مقابل سایه آمده چنان که واقعیت در مقابل تصویر می آید (ر.ک عبر:۸:۵؛ ۱:۱۰). از سوی دیگر این کلمه جسم مسیح را تعیین می کند که با توجه به مسیح برخاسته از مرگ و کلیسا مجد کمال واقعیت فرجامین و پایان روزگار است.

c- این بند تقریباً غیر قابل ترجمه است و شاید تغییر یافته است. در اینجا پولس ادعا و جنبه اسرار آمیز عقاید جدید را تمجیح می کند (ر.ک ۲۱:۲-۲۳:۲ j, i, h, g). اشکالات درک و تفسیر این بند به شرح زیر است:

۱- اصطلاحی که ترجمه می شود: در آن خوشنود است (اصطلاح زبان عبری است که در مز ۱۴۷:۱۰ نیز به طرز مشابهی در عبارت بکار رفته است) ممکن است ارزش دستوری قید داشته و به معنی خودسرانه یا مستبدانه باشد در این صورت باید ترجمه کرد: مبادا کسی شما را با ادعای «خفیف کردن خود و ... از پیروزی محروم سازد».

۲- کلمه ای که «خفیف کردن خود» ترجمه شده است (تحت اللفظی: فروتنی) در اینجا مفهوم نامناسبی داشته و در ردیف همان واقعیت پرستش فرشتگان است. به نظر پولس کسانی که چنین دستوراتی را رعایت می کنند خود را تحت تابعیت عوامل واسطه آسمانی قرار می دهند.

۳- اصطلاح: غرق در آنچه دیده (رؤیاهایی که در آن فرشتگان نقشی دارند) ظاهراً از طرز بیان اسراری گرفته شده است که در بین طرفداران تمدن و فرهنگ یونانی شیوع داشته و شاید اشاره به رؤیای هنگام پذیرش در آیین های اسرار آمیز و پنهانی است. در بعضی از نسخه های خطی فعل این جمله به صورت منفی است: غرق در آنچه ندیده است.

d- همچنین ترجمه می کنند: که کلید جسم او به وسیله بندها و مفصلی که به فراوانی به هم پیوسته است. ترکیب جمله کاملاً طبق قوانین دستور زبان نیست. موضوع جسم ممکن است آغاز تشریح مطالب کنایه باشد (سر، بندها و اعضا) که در افس:۵:۴-۱۶ ادامه خواهد داشت.

رشد می کند به رشدی [که] از خداست.

آزادی تعمید یافتگان

۲۰ اگر شما با مسیح^e از عناصر دنیایی مرده اید، پس چرا، چنان که گویی در دنیا زندگی می کنید^f به این دستوراتش عمل می نمایید^g [که می گوید]:^{۲۱} «مگیر، نجش، دست من»،^{۲۲} در مورد این چیزها که بر اثر استعمال از بین می روند؟ [اینها] برطبق دستورات و آموزشهای انسانها است^h که^{۲۳} به حکمت شهرت دارند با «عبادت اختیاری»، و «خود را پست شمردن»، و «تحقیر جسم»ⁱ، ولی هیچ کدام ارزشی نداشته و فقط برای ارضای جسمانی هستند^j.

۸: ۲
۳: ۴

۱- تیمو: ۳: ۳
۱- قرن: ۸: ۸

مت: ۹، ۶، ۱۵

روم: ۱۳: ۱۴

۱ پس اگر شما با مسیح رستاخیز^a کرده اید، در جستجوی امور علوی باشید^k، در آنجا که مسیح به دست راست خدا نشسته است؛^۲ به امور علوی فکر کنید، نه به اموری که در روی زمینی هستند^۳ زیرا شما مرده اید، و زندگی شما با مسیح در خدا پنهان است^۴ وقتی مسیح که زندگی شما^m است، متجلی شودⁿ، پس شما نیز با او در شکوه متجلی خواهید شد.

۱۲: ۲
افس: ۲: ۶
مت: ۲۰-۲۳
فی: ۲۰-۲۱
یو: ۳: ۳۱

افس: ۱: ۲۰

غلا: ۲: ۲۰
فی: ۱: ۲۱

روم: ۸: ۱۹
۱- کسا: ۴: ۱۷
۱- پطرا: ۶- ۸
۱- یو: ۳: ۲

از انسان کهن به انسان نو

۵ پس اعضایی را که در روی زمین دارید^o بکشید: بی عفتی، ناپاکی، هوس،

روم: ۶- ۱۱

۸: ۱۳

غلا: ۵: ۲۴

مر: ۹- ۲۳- ۴۷

- e- در این توضیحات مرتباً بر موضوع تعمید تکیه می شود و با اصطلاحات مختص به آن متوالیاً برمی خوریم مثلاً: مردن با مسیح (۲: ۲۰)، رستاخیز با او (۳: ۱)، کشتن آنچه در ما دنیوی است (۳: ۵)، انسان کهن را از خود بیرون آوردن و برکندن (۳: ۸-۹). ر.ک به افس (۴: ۲۲)؛ در بر کردن انسان نو (۳: ۱۰) با همه مشخصاتی که دارد (۳: ۱۲). نخستین نکته متفاوت از دو نکته متفاوتی که ذکر شده (مرگ - رستاخیز) درباره عقاید و رسوم مذهبی است که در کولس شیوع داشته، و تفاوت های دومی (از خود بیرون آوردن - در بر کردن مربوط به اصول اخلاقی مسیحیت است.
- f- گاهی ترجمه می کنند: چنانکه زندگی شما وابسته به دنیا است.
- g- بعضی از مفسران قسمت اول بند ۲۲ را به عنوان اندرزهای علمای کولس درک کرده و چنین ترجمه می نمایند: «استعمال همه این چیزها به هلاکت منتهی می شود».
- h- ترجمه تحت اللفظی: برطبق فرمانها و عقاید آدمیان. اشاره به اش ۲۹: ۱۳ (ر.ک متی ۱۵: ۹). این اصطلاح مربوط به فعلی است که در بند ۲۰ آمده: به دستوراتش عمل نمایید و از منتهیاتی که در بند ۲۱ برشمرده و تذکری که در ۲۲ داده می شود جدا است.
- i- این بند ساختار و اصطلاحات فنی آن ایجاد معضل می کند. برابر آنچه از این صفات اخیر به عنوان صفاتی که مجتهدان به آنها می بالند یا چون اعمالی که پولس آنها را برملا می گرداند معانی مساعد و یا تخفیفی و ردیلا نه می یابند: دینی که با آزادی انتخاب شده است یا عبادت اجباری، زهد و پارسائی (تحت اللفظ: فروتنی) به معنای علاقمندی به عبادت یا متشروع بودن و تظاهر به آن، سخت گیری به بدن توأم با ریاضت یا نفرت از بدن.
- j- به ترجمه دیگر: عاری از هر ارزشی فقط برای اطفای گستاخی های نفسانی
- k- ترجمه تحت اللفظی: چیزهای بالا. یعنی زندگی جدیدی که در یسوع مسیح پیدا شده است و در برابر دنیای کهن (چیزهای پایین، بند ۲) است. در اینجا ارزش امور و «واقعیت های زمینی» را نمی کاهد. بیان این موضوع متکی به نقل قول مزمو ۱۰: ۱۱ است که به کرات در نوشته های عهد جدید ذکر می شود.
- l- گاهی ترجمه می کنند: هدف شما در بالا است نه در روی زمین.
- m- در بعضی از نسخه های خطی: زندگی ما.
- n- موضوع مقابله آسمان در برابر زمین که در اینجا مطرح شده است اختلاف گذشته در برابر آینده را از بین نمی برد: در این نامه در مورد انتظار آمدن مسیح شکوهمند اصرار می شود.
- o- ترجمه تحت اللفظی: اعضای شما، آنهایی که در روی زمین هستند. ر.ک روم ۷: ۵ که در آنجا منظور از اعضا آنچه در وجود ما بیشتر در ارتکاب گناه شرکت دارد. بعضی از مفسران برای این اصطلاح معنای گنوستیک قائل شده اند بدین معنی که پنج عضو به ترتیب انسان کهن و انسان نو را تشکیل می دهند (ر.ک به پنج رذالت و پنج فضیلتی که در بندهای ۵ و ۱۲ ذکر شده است).

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: طمع مفرط، و حرص، که بت پرستی است: افس ۲-۳:۴:۵: ۶: که به سبب آنها خشم خدا می آید^۶ که روم ۱۸: افس ۱-۲:۳:۴:۵: شما نیز در گذشته به همین گونه رفتار می کردید، وقتی در آن [بی نظمی ها] زندگی می نمودید^۸ اما اکنون، شما نیز همه اینها را به دور اندازید: خشم، غیظ، شرارت، دشنام، گفتارهای شرم آوری که از دهان شما برآید^۹ به یکدیگر دروغ نگویند، [زیرا] انسان کهن را با اعمال او از خود بیرون کرده آید^{۱۰} و [انسان] نو^۹ را دربر کرده آید، که به خاطر معرفت تجدید می یابد، به صورت آنکه او را آفریده است^{۱۱} آنجا یونانی یا یهودی نیست، مختون یا نامختون، غیر یونانی^{۹۹}

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: سکاکی^T، برده، آزاد، بلکه مسیح که همه و در همه است^S.

افس ۳-۴:۵: ۶: پس به مانند برگزیدگان قدیس و محبوب خدا^t احساسات دلسوزی^u، مهربانی، فروتنی، نرم خوئی و شکیبایی^v در بر کنید^w اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۱۲: علاوه بر همه اینها محبت را که رابطه کمال^w است [دربر کنید]^{۱۳} و در قلوبتان صلح مسیح فرمانروایی کند، زیرا که نیز فراخوانده شده بودید در یک جسم و افس ۴:۴:۵: سیاستگر باشید^X.

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۱۴: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۱۵: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۱۶: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۱۷: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۱۸: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۱۹: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۰: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۱: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۲: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۳: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۴: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۵: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۶: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۷: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۸: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۲۹: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

افس ۲-۳:۴:۵: ۶: ۳۰: اگر کسی علیه دیگری شکایتی دارد، یکدیگر را تحمل کرده و متقابلاً بخشید. به همان گونه که خداوند بر شما بخشیده است، شما نیز همان کنید^x

p- در تعدادی از نسخه های خطی، نظیر افس ۶:۵ در اینجا افزوده شده است: بر روی کسانی که مقاومت می کنند. در این صورت مفهوم عبارت بعدی تغییر می یابد: و شما نیز در گذشته با چه کسانی معاشرت می کردید.

q- اصطلاح انسان نو (که در اینجا و در افس ۲:۱۵:۳:۴:۲۴ آمده است) نشان می دهد که بر اثر تعمید تغییر اساسی در وجود آدمی ایجاد می شود. در عهد عتیق اعلام شده است که انسان تحت تأثیر روح القدس تغییر یافته و نو می شود و به او قلبی نو داده می شود تا بتواند خدا را بشناسد (جن ۲۶:۳۶-۲۷:۲۷). انسان که در مسیح یعنی ابوالبشر ثانی و چه ره خدا (کول ۱:۱۵) مجدداً آفریده شده به سوی بشریت و انسانیت واقعی رهبری می شود: زیرا بر طبق خدا در عدالت و تقدس آفریده شده است (افس ۴:۲۴) و به وسیله اطاعت به سوی معرفت حقیقی قدم برمی دارد (کول ۳:۱۰، ر. ک پید ۲:۱۷). این انسان نو، جامعه بشری جدید را تشکیل می دهد که ماورای اختلافات کهن نژادی، فرهنگی و طبقاتی است (کول ۳:۱۱)؛ بنابراین در عین حال خاصیت اجتماعی (کلیسا) و فردی و شخصی (فرد تعمید یافته) دارد.

qq- منظور از کلمه یونانی **Barbares** که در اینجا بکار برده شده کلمه ملت های وحشی و غیروحشی بکار برده شده است. مادها، پارت ها، عربها ... است. بعدها این کلمه در مورد ملت های وحشی و غیروحشی بکار برده شده است.

r- ساکنان سواحل شمالی دریای سیاه که به عنوان عقب مانده ترین ملتها بشمار می آمدند.

s- ترجمه دیگر: «او (مسیح) همه چیز در همه کس می باشد». با استفاده از این بند یکی از موضوعهای آموزش مذهبی تعمید با عبارت جدیدی بیان می شود: ر. ک ۱- قرن ۱۳:۱۲:۱۳:۱۴: w غلا ۳:۲۸. بنا بر مفاد این بند، در مورد کسانی که وسیله تعمید انسان نو را دربر کرده اند، انواع طبقات بشریت بدون اینکه از بین بروند قدرت مختص و قاطع خود را از دست می دهند. از این نظر مسیح هم اکنون همه چیز در همه است تا اینکه در ملکوت خدای پدر، خودش همه چیز در همه بشود (۱- قرن ۱۵:۲۸).

t- این اوصاف، مختصات قوم عهد و پیمان است که فراخوانده شده اند از طرز رفتار خدا در مسیح پیروی کنند. u- ترجمه تحت اللفظی: اندرون رحمت.

v- بر طبق روشی که در بین یهودیان متأخر و فیلسوفان یونانی معمول بوده است، پس از ذکر «ردیلت ها» اکنون «فضیلت ها» برشمرده می شود. ضمناً نیابستی این فضیلت ها را از یکدیگر مجزی نمود زیرا مجموعه آنها طرز رفتار انسان نو می باشد.

w- ترجمه دیگر: رابطه کامل. محبت در اینجا نظیر ۱- قرن ۱۳ موهبت به اعلی درجه است. گاهی مفهوم این عبارت را چنین درک کرده اند که محبت تمام فضیلت های مسیحیت را به یکدیگر می پیوندد همچنان که کمربند لباس تازه ای را می بندد و نگه می دارد و گاهی چنین استنباط می کنند که محبت همچون وسیله رابطه ای است که اعضای یک جسم را به یکدیگر متصل می کند (بند ۱۵).

x- ترجمه تحت اللفظی: آیین سیاستگری (رک ۳/۱ d).

برطبق جسم [تن]^e، گوش دهید، نه بدان
 سبب که شما را می بینند، چنانکه خوشایند
 مردمان باشد، بلکه با سادگی دل،
 خداترسی^f. اگر هرآنچه می کنید، با
 تمام جان خود کار کنید، چنانکه برای
 خداوند و نه برای آدمیان است،
^{۲۴} درحالی که می دانید از خداوند میراث را
 به پاداش^g دریافت خواهید کرد. در خدمت
 خداوند مسیح باشید^h؛ زیرا آنکه
 بی عدالتی کند، آن بی عدالتی [خود] را باز
 خواهد یافت و در این هیچ تبعیضی نیست.
 ۱۷:۱۰: تث
 ۱-بطر: ۱۷:۱۷
 روم: ۱۱:۲

نگرانیهای رسول و پیامهای شخصی

^۲ در دعا کردن مداومت داشته باشید؛ با
 سپاسگزاری کردن، در آن هوشیار باشید؛
 ۲۰-۱۸:۶ افس
 روم: ۱۲:۱۲
 فی: ۴:۶
 ۱-تسا: ۱۷:۵-۱۸

افس: ۴:۲۹
 کول: ۱:۲۸
 روم: ۱۵:۱۴
 ۱-تسا: ۵:۱۱
 افس: ۱۸:۲۰-۲۱
 ۱-قرن: ۱۴:۱۵
 ۱-قرن: ۱۵:۲۸
 روم: ۱۴:۷
 ۱-قرن: ۱۰:۳۱
 سخن مسیح^y به فراوانی در شما^z جای
 گیرد؛ با حکمت تمام تعلیم بگیرید و
 یکدیگر را آگاه کنید^a. با سپاسگزاری^b
 نسبت به خدا در مزامیر، سرودها و آوازهای
 مذهبی الهام یافته از روح القدس^c در
 قلوبتان بسرایید. ^{۱۷} و اگر هرآنچه
 می کنید، در گفتار یا در عمل همه به نام
 خداوند یسوع [و] به وسیله او سپاس
 خدای پدر را بجا آورید.

روابط جدید

افس: ۲۲-۳۳
 ۱-قرن: ۷
 ۳:۱۱
 ۱-بطر: ۱-۷
 تیط: ۵:۲
 افس: ۱-۴
 ۱-بطر: ۵:۵
 عبر: ۱۲:۶-۱۱
 افس: ۵:۹
 لاو: ۲۵:۴۳
 ۱-قرن: ۷:۲۱-۲۳
 ۱-تیمو: ۶:۱-۲
 ای زنان، خودتان مطیع همسران خود
 باشید^d، آنچنان که در خداوند شایسته
 است. ^۹ ای شوهران، به زنان [خود] محبت
 نمایید و نسبت به ایشان خشن نباشید.
^{۲۰} ای فرزندان، به والدین در همه چیز
 گوش دهید، زیرا این خوشایند خداوند
 است. ^{۲۱} ای پدران، فرزندان خود را به
 ستوه نیاورید که مبدا دلسرد شوند.
^{۲۲} ای بردگان، در همه چیزها [به] مالکان

Y- در بعضی نسخه های خطی: خداوند یا خدا نوشته شده است.

Z- یا در میان شما.

a- این مطالب که در ۱:۲۸ آمده و اختصاصاً مربوط به مأموریت رسول است مجدداً در اینجا به جمعیت مسیحیان خطاب می شود.

b- ترجمه دیگر: حق شناسی ...

c- ترجمه تحت اللفظی: آوازهای روحانی. منظور مزامیری نیست که منحصرأ در کتاب مقدس آمده است. بلکه سه کلمه مزامیر، سرودها و آوازهها ممکن است آهنگهایی باشد که در هنگام برگزاری آداب مذهبی تحت تأثیر الهام روح القدس بالبداهه سروده شود (ر.ک ۱-قرن ۱۲:۷-۸:۱۴:۲۶).

d- پولس در اینجا دستورات اخلاقی را که در فلسفه متداول آن دوران بیان شده بود مجدداً ذکر و یادآوری می نماید با این همه با مراجعه مداوم به خداوند مفهوم این دستورات عمیقاً تغییر می کند. ضمناً این نکته قابل توجه است که در محیط خانواده کسانی که به عنوان اعضاء مقتدر بشمار می آیند (شوهران، پدر و مادر و مالکان) و اعضایی که ضعیف محسوب می شوند (زوجه ها، فرزندان و بردگان) نسبت به یکدیگر متقابلاً وظایفی برعهده دارند.

e- گاهی ترجمه می کنند: به مالکان خود در این دنیا.

f- مسیح خداوند تنها مالک و سرور واقعی است (کلمه یونانی که در مورد مالک آمده همان کلمه ای است که برای خداوند بکار برده می شود کوریوس (Kyrios)).

g- تفاوت که در مسیحیت وجود دارد: برده به عنوان وارث به شمار می آید، در مورد تفاوت بردگی با میراث ر.ک غلا ۴:۱-۲.

h- ترجمه دیگر: به او خدمت کنید.

به سوی شما می فرستم تا بدانید به کجا رسیده ایم^p و دلهای شما را تقویت کند؛^۹ آنیسیمس^q برادر باوفا و محبوب که از [کسان] شما است، ایشان شما را از همه چیز در اینجا آگاه خواهند کرد.

^{۱۰} اریسترخس، که هم زنجیر من در اسارت است به شما سلام می رساند؛ و مرقس^r پسرعموی برنابا که درباره او دستوراتی دریافت کرده اید، اگر به نزد شما بیاید او را پذیرا شوید؛^{۱۱} و یسوع ملقب بر یوستوس^s [به شما سلام می رساند]، اینان تنها مختونانی هستند که برای ملکوت خدا

^۳ ضمناً برای ما نیز دعا کنید، تا خدا در سخن بر ما بگشاید^۱، تا راز مسیح را که به خاطر آن نیز در بند هستیم اعلام کنیم،^۴ تا آن را چنانکه باید من اظهار کنم.

^۵ فرصت را بخرید^k نسبت به آنان که بیرون هستند^۱ با حکمت رفتار نمایید.

^۶ سخن شما همواره مطلوب^m، با چاشنی نمک باشد [تا] شما بدانید به هر کدام چگونه باید پاسخ داد.

^۷ در مورد من، تیخیکسⁿ برادر محبوب، و خدمتگر امین^o و همقطار من در خداوند، همه چیز را به شما خواهد گفت^۸ که او را

- i- گاهی ترجمه می کنند: تا خدا دری برای موعظه ما بگشاید. همین تصویر در طرز بیان در ۱-قرن ۱۶:۹؛ ۲-قرن ۱۲:۲؛ مکاشفه ۸:۳ نیز بکار برده شده است.
- j- ترجمه تحت اللفظی: چنانکه بایستی از آن سخن بگویم. فعل بایستی هنگامی که در انجیلها مصائب و رنجها و مصلوب شدن اعلام می شود بکار برده شده است مثلاً: «بایستی که پسر انسان رنج بکشد و بمیرد» (ر.ک متی ۲:۱۶؛ مر ۸:۳۱؛ لو ۹:۲۲، ۱۷:۲۵، ۲۴:۲۶؛ اع ۳:۱۷). مفسران دیگری این عبارت را چنین درک می کنند: چنانکه بایستی از آن سخن بگویم؛ یعنی با کلماتی که شایسته و مناسب باشند.
- k- یا از فرصتی که به شما داده شده است استفاده کنید. بعضی از مفسران تصور می کنند منظور فرصتی است که قبل از بازگشت مسیح داده شده است. مفسران دیگری می پندارند فرصت هایی است که در زندگی جاری داده شده تا انجیل را اعلام کنند. ر.ک افس ۱۶:۵ که در آنجا نیز همین طور بیان با مفهوم کلی تری آمده است. به همین سبب تفاوت هایی جزئی در ترجمه های مختلف این متن وجود دارد.
- l- منظور از آنانکه بیرون هستند کسانی است که مسیحی نیستند و در اینجا به طرز بی طرفانه ای از آنان یاد شده است (۱-قرن ۵:۱۲-۱۳؛ ۱-تسا ۱۲:۴؛ ۱-تیمو ۳:۷؛ ر.ک مر ۴:۱۱). این کلمه نظیر برادران از کلماتی است که در آیین یهود بکار برده می شود. ضمناً توصیه هایی که در بندهای ۵ و ۶ می شود، اندرزهایی به روش حکمای اسرائیل است که گفته اند: سخنان نه فقط بایستی به نیکویی گفته شوند بلکه مملو از لطف هم باشند (امت ۱۰:۳۲؛ جا ۱۰:۱۲) و به جا و به موقع اظهار گردند (امت ۱۵:۲۳، ۱۱:۲۵). بنا به گفته پیشینیان، گفتگو بایستی لطف و ملاحظت یعنی مهربانی و بذله گویی را درهم آمیزد. تمام این اندرزهای آداب معاشرت در اینجا تغییر شکل یافته اند مثلاً موقع شناسی مسیحیت (از فرصت استفاده کنید) از الهام لطف و مهربانی ناشی می شود و نمک عبارت از حکمت انجیلی است (متی ۵:۱۳؛ مر ۹:۵۰؛ لو ۱۴:۳۴).
- m- گاهی ترجمه می کنند: سخن شما همواره با مهربانی باشد.
- n- در مورد تیخیکس ر.ک اع ۴:۲۰. بعضی او را به عنوان حامل این نامه و شاید نامه به افسسیان می دانند (ر.ک افس ۲۱:۶-۲۲).
- o- ترجمه دیگر: مأمور باوفا (پولس قدیس).
- p- در بعضی از نسخه های خطی: تا خبر از شما بگیرد (ولی پولس قبلاً به وسیله افراس خبر دریافت کرده بود ر.ک ۸:۱).
- q- اونیسیمس (ر.ک نامه به فیلمون). بنابراین از اهالی کولس بوده است.
- r- مرقس (ر.ک اع ۱۲:۱۲) لابد با رسول آشتی کرده است (ر.ک اع ۱۵:۳۶-۳۹) در این بند ۱۰ بستگی او با برنابا تصریح شده است. درباره ارسترخس ر.ک اع ۱۹:۱۹. w
- s- یکی از شاگردان است که شخص ناشناسی می باشد.

همخدمت هستند، برای من تسلی بوده اند.

^{۱۲} اِپِفراس که از [کسان] شما است^t به

شما سلام می‌رساند؛ [این] بردهٔ مسیح

عیسی، همواره در دعاها برای شما کوشش

می‌کند^u تا شما استوار بوده و در جمیع

ارادهٔ خدا تام و تمام باشید^{۱۳} زیرا دربارهٔ

او گواهی می‌دهم که خیلی برای شما و

همچنین برای [اهالی] لائودیکیه و

هیراپولیس^v زحمت می‌کشد. ^{۱۴} لوقا، این

پزشک^w عزیز، همچنین دیماس^x به شما

سلام می‌رساند.

^{۱۵} به برادران لائودیکیه و نومفاس^y و

کلیسایی که در خانه او است سلام برسانید. ^{۱۶} و وقتی این نامه در نزد شما خوانده شد

بدهید تا در کلیسای لائودیکیه نیز خوانده

شود. و [نامه] لائودیکیه^z را که شما هم

بخوانید.

^{۱۷} و به ارخیپس^a بگوئید: «مواظب باش

تا آن خدمتی که در خداوند دریافته‌ای، ^۲ فیل

درست انجام دهی.»

^{۱۸} سلام با دست من است، من که پولس

هستم^b. بندهای مرا به خاطر داشته باشید.

فیض با شما باد! [آمین]^{bb}

۱- قرن ۱۶: ۲۱؛ غلا ۶: ۱۱؛

۲- تسلا ۳: ۱۷؛ افس ۳: ۱؛ ۴: ۱؛

۶: ۲۰؛ فیل ۱: ۹، ۱۰، ۱۳؛

۱: ۱۳، ۱۷؛ ۲- تیمو ۱: ۸؛

۲: ۱۹؛

۷: ۱؛
۲۳ فیل

۲۴ فیل

۲- تیمو ۱: ۱۱؛

۲۴ فیل

۲- تیمو ۴: ۱۰؛

t- در مورد اپفراس ر. ک مقدمه.

u- ر. ک روم ۳۰: ۱۵ و نمونه‌هایی که در کتاب مقدس وجود دارد: در مورد ابراهیم (پید ۱۸: ۱۷-۳۲)، در مورد یعقوب (پید ۲۹: ۳۲) و در مورد موسی (خروج ۳۲: ۱۱-۱۴).

v- در مورد ارتباط بین کلیساها ر. ک مقدمه.

w- بدین گونه از نامه به کولسیان درک می‌شود که لوقا پزشک بوده است.

x- فقط نام دیماس به اختصار ذکر گردیده است: برابر ۲- تیمو ۴: ۹ این شخص بعداً از مسیحیت روگردان خواهد شد.

y- این شخص ناشناس است و معلوم نیست مرد یا زنی است زیرا در بعضی از نسخه‌های خطی در خانهٔ آن مرد و در نسخه‌های دیگر در خانهٔ آن زن نوشته شده است. در تعدادی از نسخه‌هایم در خانهٔ ایشان ذکر شده است.

z- نامه‌ای که به لائودیکیه نوشته شده گم شده است، مگر اینکه نظیر بعضی از مفسران بپذیریم که همان نامه به افسسیان است. این بند به خوبی نشان می‌دهد که بین جمعیت‌های مسیحیان نامه‌هایی رد و بدل می‌شده و آغاز تشکیل مجموعهٔ نامه‌های عهد جدید بوده است.

a- در مورد ارخیپس ر. ک فیل ۲. دربارهٔ این مأموریت اطلاع دیگری در دست نیست.

b- معمولاً نامه‌های رسولی به وسیله یک منشی تحریر می‌شده است (روم ۱۶: ۲۲؛ ۱- پتر ۵: ۱۲) و مصنف نامه که آن را دیکته می‌کرده برای تصدیق صحت و اصالت، چند کلمه به خط خودش می‌افزوده است (ر. ک ۱- قرن ۱۶: ۲۱؛ غلا ۶: ۱۱-۱۸؛ ۲- تسلا ۳: ۱۷).

bb- در بعضی از نسخه‌ها: آمین.